

متن پرسش

سلام استاد: بنده یه موضوعی خیلی درگیرم کرده. مدت چهل روزه از مرگ مادر شوهرم میگذره. ما با هم بشدت اختلاف عقیده و فرهنگ داشتیم. بطوریکه مادر شوهرم جواب سلام منو کم و بیش نمی‌داد. ولی با این حال من باز تا آخر تا اعصابم کشش داشت به ایشان سر می‌زدم. این آخریا یکم حرف و حدیثها بالا گرفت و من خواستم ایشان را مجاب کنم و قصد و نیت فقط و فقط این بود، که ایشان مجاب شوند که کمتر حرص بخورند و از من راضی تر باشند. تو همین گیر و دار بحثهای من و او مادر شوهرم حالش بد شد و سکتہ کرد و فوت کرد. حالا گذاشتند تقصیر من که تو او را کشتی! در حالیکه من اصلا نیت و قصد کشت او را نداشتم. حال خوبی ندارم. آیا اینجور مرگها واقعا تقصیر طرف مقابل و الان تقصیر منه؟ برادر شوهرم میگه اگه بخاطر بچه ی کوچکت نبود زندگیت رو بهم می‌ریختم ولی رحم بهت کردیم و اینا... خواهر شوهرام که کلا جواب تلفن ام رو نمیدن. کلا به من تهمت قتل زدن. دارم خودمم سکتہ می‌کنم از این غم. فکر نکنم تا آخر عمرم اینم از روی سینم برداشته بشه. چه کنم؟ من چون بیمارم و ترس مردنم را داشتم. نیتم این بود که حلالیت بطلبم از او. چون می‌ترسیدم حلالم نکند سر موضوعاتی و از دنیا بروم و دستم از دنیا کوتاه شود. ولی اینگونه پیش رفت!!!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که خداوند در قرآن می‌فرماید: «نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ» (۶۰/ واقعه) مرگ، از قبل برای هرکس مشخص شده است و با نظر به آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی حدید که می‌فرماید: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» هیچ مصیبتی در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است؛ و این امر برای خدا آسان است. بهتر است با توجه به این امر، مسئله را طور دیگر تحلیل کرد و مرگ افراد را به خودمان نسبت ندهیم. سعی کنید ذهن خود را از این موضوع آزاد کنید و به زندگی خود ادامه دهید. موفق باشید